

بسم الله الرحمن الرحيم

تدبر در قرآن

سوره مبارکه معارج

استاد ضرابی

مرداد-آبان ۱۴۰۱

جلسه دوم ۱۴۰۱/۵/۲۷

آیه شریفه: « بسم الله الرحمن الرحيم - قسمت دوم »

عنوان: آرزوی بهشت بدون ایمان و عمل صالح!

« فَمَا لِ الَّذِينَ كَفَرُوا قَبْلَكَ مُهْطِعِينَ * عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ * أَيْطَمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ ... » - پس کافران را چه می‌شود که با سرعت نزد تو می‌آیند. از راست و چپ، گروه گروه [و] آرزوی بهشت دارند؟! آیا هر یک از آن‌ها [با این اعمال زشتش] طمع دارد که او را در بهشت پرنعمت الهی وارد کنند؟! هرگز چنین نیست؛ ما آن‌ها را از آنچه خودشان می‌دانند آفریده‌ایم. گروهی بوده اند که از مؤمنین نبودند ، ولی دغدغه راست بودن دعوت پیغمبر هم راحتشان نمی‌گذاشت، گروه گروه می آمدند و بیشتر از مؤمنین، چپ و راست پیغمبر (ص) می نشستند و وقتی وصف نعمت‌های بهشتی را می‌شنیدند، این طمع در دلشان می افتاد که آیا ممکن است ما هم از این نعمتهایی که در عالم دیگر هست بهره مند بشویم؟

در واقع می‌خواستند بدون پذیرش ایمان به خدا و آخرت و اطاعت از دستورات رسولش به نعمت‌هایی که به مؤمنین وعده داده شده برسند، قرآن این افراد و منافقین را کافر خوانده. و به آنها خطاب « فَمَا لِ الَّذِينَ كَفَرُوا قَبْلَكَ مُهْطِعِينَ ... » می‌کند. امثال اینها عده ای هستند که دین را سلیقه ای می دانند و هر جا که دین منافعتشان را تأمین کند از آن اطاعت می کنند. این افراد در واقع مؤمن نیستند قرآن درباره آنها می‌گوید: « إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُوا نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا - آنان که به خدا و رسولان او کافر شوند و خواهند که میان خدا و پیغمبرانش جدایی اندازند و گویند: ما به برخی (از انبیاء) ایمان آورده و به پاره‌ای ایمان نیاوریم و خواهند که میان کفر و ایمان راهی اختیار کنند؛ » (نساء/۱۵۰)

انسان اگر یکتاپرست شد، باید تمام و کمال از فرمان الهی اطاعت کند و نیز همانند این گروه کسانی هستند که قرآن کریم درباره آنها می‌گوید: « لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ - (ای پیغمبر) مپندار آنهايي که به کردار زشت خود شادمانند و دوست دارند که مردم به اوصاف پسندیده‌ای که هیچ در آنها نیست آنها را ستایش کنند، البته گمان مدار که از عذاب خدا رهایی دارند، که آنها را عذابی دردناک خواهد بود. » (ال عمران/۱۸۸)

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: « ای پسر مسعود! هرگاه مردم تو را ستایش کنند و بگویند: «همانا تو روزه داشتی، شب‌زنده‌داری کردی و تو این اعمال را انجام نداده‌ای؛ به این حرف‌ها شادمان مباش زیرا که خدای تعالی می‌فرماید: « ... يُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا ... » (بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۰۵)

امیر المؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) عمل کسانی را که در آرزوی بهشت‌اند ولی تلاش لازم را برای رسیدن به آن ندارند، حماقت می‌خواند: «طَلَبُ الْجَنَّةِ بِلَا عَمَلٍ حُمَقٌ - تقاضای بهشت، بدون عمل، حماقت است.» (غرر الحکم، ج ۱، ص ۲۰۵)

حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمود که هفت چیز بدون هفت چیز استهزاء و سخریه کردن به خود است «... مَنْ سَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى الشَّدَائِدِ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ...» - کسی که از خدا بهشت طلبد و لکن در شدائد و سختیها صبر نکند، خود را مسخره کرده است. (معین الجواهر، ج ۱، ص ۵۹) خداوند فرمود: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» - پس هر کس به لقای (رحمت) پروردگارش امیدوار است باید نیکوکار شود و هرگز در پرستش خدایش احدی را با او شریک نگرداند. (کهف/۱۱۰)

نا برده رنج گنج میسر نمی شود
مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد
هر کو عمل نکرد و عنایت امید داشت
دانه نکاشت ابله و دخل انتظار کرد

عنوان: آرزوی نجات از آتش بدون ترک گناهان و زشتی‌ها!

«كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِمَّا يَعْلَمُونَ - ما ایشان را از چیزی خلق کرده‌ایم که خودشان می‌دانند.»
خدای سبحان در این آیات کسانی را که همواره دور و اطراف رسول خدا (ص) می‌چرخیدند ولی از او اطاعت و پیروی نمی‌کردند، به عذاب و عده می‌دهد و دلیل روشنی نیز برای آن مطرح می‌فرماید و آن اینکه: عمل ممکن نیست از عامل خود جدا شود؛ یعنی تاثیر شگفت‌انگیز نطفه‌ای که نتیجه کردار خود و پدرانشان بود از آنها جدا نمی‌شود؛ «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا» اگر نیکی کنید به خودتان نیکی می‌کنید و اگر بدی کنید پس به خودتان بدی می‌کنید. (اسراء/۷)
هر چه کنی به خود کنی - گر چه که نیک و بد کنی
«وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ» - هر انسانی مسئول کار خویش است و هر عملی از او سر زد بر گردن خود اوست. (اسراء/۱۳) و آیا جزائی که به شما داده می‌شود جز همان اعمالی است که (در دنیا) انجام می‌دادید؟ «هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (نمل/۹۰) در روزی که هر فردی به اعمال خود می‌نگرد که چه چیزی را پیش فرستاده است. «يَوْمَ يُنْظَرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ» (نبأ/۴۰) هر آنچه از خیر و شر در دل داشته باشید، پنهان کنید یا آشکار، همه را خداوند در محاسبه‌ی اعمالتان می‌آورد. «إِنْ تُبْذَرُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخَفَّوْهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ» (بقره/۲۸۴) گناهکارانی که گناهشان آنان را احاطه کند دوزخی‌اند و مؤمنانی که کردار نیکو از آنان سرزند، بهشتی‌اند: «بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ* وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره/۸۱-۸۲)

این قانون الهی است که مطابق با منطق و فطرت هر بشری بوده و در برابر آن خاضع است؛ به طوری که وقتی مجرمین در پیشگاه الهی به آن توجه داده می‌شوند سخنی برای گفتن جز سرزنش خود ندارند. در کلام دربار حضرت امام رضا (علیه السلام) می‌خوانیم «... مَنْ تَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ (مِنَ النَّارِ) وَلَمْ يَتْرِكِ الشَّهَوَاتِ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ...» - کسی که از آتش جهنم بخدا پناه برد و لکن ترك شهوت های دنیوی نکند خود را مسخره کرده است. (معین الجواهر، ج ۱، ص ۵۹)

یکی بر سر شاخ، بن می‌برید
خداوند بستان نگه کرد و دید
بگفتا گر این مرد بد می‌کند
نه با من که با نفس خود می‌کند

عنوان: سرانجام بازی پنداشتن دین خدا و جدی نگرفتن آن!

«فَلَا أَقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ عَلَى أَنْ نُبَدِّلَ خَيْرًا مِنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ - سوگند به پروردگار مشرق‌ها و مغرب‌ها که ما قادریم، که جای آنان را به کسانی بدهیم که از آن‌ها بهترند؛ و ما هرگز مغلوب نخواهیم شد. آنان را به حال خود واگذار تا در باطل فرو روند و بازی کنند تا روز موعود خود را ملاقات نمایند.»

بنابر آنچه گفته شد، سوگندهای الهی حاوی مطالبی است که به صورت قطعی مقصود مورد نظرش را اثبات می‌کند، در این سوگندها مقصود اثبات «إِنَّا لَقَادِرُونَ عَلَى أَنْ نُبَدِّلَ خَيْرًا مِنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ» اثبات غلبه قدرت الهی و پیشی نگرفتن بر اراده (قضا و قدر) او، و خلقت بهترین

بندگان و الگوهای بی نقص و عیبی از انبیا و اوصیای الهی است که به اراده و تقدیرات الهی بر جنود باطل و پیروان او غلبه دارند؛ امام صادق (علیه السلام) در توضیح سوگندهای این سوره «فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ» می فرماید: «الْمَشَارِقُ همانا پیامبران (علیهم السلام) و الْمَغَارِبُ همانا اوصیاء (علیهم السلام) و جانشینان آنها هستند.» (بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۷۷) مشرق نور هدایت، زندگانی سعادت مند و طیبه انبیا و مغرب مملو از آزمایشات سرنوشت ساز امامان و اوصیا که به عصر ظهور و قیامت متصل می گردد؛

«فَذَرَهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ *يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعاً كَأَنَّهُمْ إِلَى نُصَبٍ يُوْفِقُونَ *خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَلِكَ الْيَوْمَ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ - آنان را به حال خود و گذار تا در باطل فرو روند و بازی کنند تا روز موعود خود را ملاقات نمایند. همان روز که از قبرها به سرعت خارج می شوند، گویی به سوی بت ها می روند. درحالی که چشم هایشان [از شرم و وحشت] به زیر افتاده، و [پرده ای از] ذلت و خواری آن ها را پوشانده است. این همان روزی است که به آن ها وعده داده می شدند.»

از علی (ع) در حکمت ۱۳۱ نهج البلاغه آمده: «وَقَدْ سَمِعَ رَجُلًا يَذُمُّ الدُّنْيَا» حضرت دید که کسی دارد دنیا را نکوهش می کند و به آن بد می گوید، به او رو کرد و گفت: «أَيُّهَا الدَّامُ لِلدُّنْيَا الْمُغْتَرُّ بِغُرُورِهَا الْمَخْدُوعُ بِأَبْطِلِيلِهَا أَتَغْتَرُّ بِالدُّنْيَا ثُمَّ تَذُمُّهَا أَنْتَ الْمُتَجَرِّمُ عَلَيْهَا أَمْ هِيَ الْمُتَجَرَّمَةُ عَلَيْكَ مَتَى اسْتَهْوَتْكَ أَمْ مَتَى غَرَّتْكَ؟» ای که از دنیا به بدی یاد می کنی و خودت به فریب آن شیفته شدی، یعنی به بیهودگی های دنیا فریفته شدی، طبق نیرنگ دنیا راه می روی و آن را نکوهش هم می کنی؟! آیا تو او را گناهکار می دانی یا او تو را بزهکار می شمارد؟

دنیا کی عقل از سرت ربود؟ آیا دنیا این طور است که عقل انسان را می رباید؟ او تو را سرگشته کرد؟! أَمْ بِمَصَارِعِ آبَائِكَ مِنَ الْبَلَى؟ آیا دنیا تو را با قبر پدرت فریب داد؟! او که مرد، خودت او را درون خاک گذاشتی؟ «أَمْ بِمَضَاجِعِ أُمَّهَاتِكَ تَحْتَ الثَّرَى؟» مادرهایت را خودت زیر خاک کردی؟! آن قدر مریض ها را دیدی که رفتند و شفا نگررفتند! دیدی که بالأخره آخرش چه شد؟! دیدی تو توان این را هم نداری که یک بیماری را از خود دفع کنی «إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ صِدْقٍ» دنیا سرای راستی است، اما برای چه کسی؟ «لِمَنْ صَدَقَهَا» برای کسی که تصدیقش کند. «وَوَدَّ عَاقِبَةَ لِمَنْ فَهَمَّ عَنْهَا وَ دَارُ غِنَى لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا» دنیا دار غنا است اما برای کسی که بتواند از آن بهره بگیرد. «وَوَدَّ دَارُ مَوْعِظَةٍ لِمَنْ اتَّعَظَ بِهَا مَسْجِدُ أَحِبَّاءِ اللَّهِ وَ مُصَلَّى مَلَائِكَةِ اللَّهِ وَ مَهْبِطُ وَحْيِ اللَّهِ وَ مَجَرُّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ اِكْتَسَبُوا فِيهَا الرَّحْمَةَ وَ رَبِّحُوا فِيهَا الْجَنَّةَ فَمَنْ ذَا يَذُمُّهَا» (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۱) دنیا سرای پند است برای کسی که موعظه هایش را بپذیرد. مسجد دوستان خدا است، محل نماز ملائک خدا است، فرودگاه وحی است و جایگاهی است که اولیاء خدا از آن رحمت را کسب کرده و بهشت را می خرند؛ پس چه کسی آن را مذمت می کند؟! «الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَ غَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَ مَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ - آنهایی که دین خدا را بازیچه گرفتند و (متاع) حیات دنیا آنها را مغرور و غافل کرد، امروز ما هم آنها را (به رحمت) در نظر نمی آوریم چنانکه آنان دیدار چنین روزشان را به خاطر نیاوردند و آیات ما را انکار می کردند. - (اعراف/۵۱)»!

کسی به امام حسین (ع) عرض کرد: «كَيْفَ أَصْبَحْتَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؟» حال شما چه طور است؟ فرمود: «أَصْبَحْتُ وَ لِي رَبٌّ قَوْقِي» حالم خوب است چون پروردگاری دارم که او به من احاطه دارد. «وَ النَّارُ أُمَامِي» و آتش جهنم در برابر من است. «وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُنِي وَ الْحِسَابُ مُحَدِّقٌ بِي» قیامت باز پرس و بازجوی من، هر خطا و حرکتی را از من ساقط می کند. «وَ أَنَا مُرْتَهَنٌ بِعَمَلِي» من گروگان کارهایم هستم. «لَا أَجِدُ مَا أَحِبُّ» همه چیزهایی را که می خواهم، نمی توانم به دست بیاورم. «وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَكْرَهُ» دفع ضرر هم نمی توانم از خودم کنم. «فَإِنْ شَاءَ عَذَّبْنِي» اگر خدا خواست، و مشیت و اراده اش بود، ما را عذاب می کند، «وَ إِنْ شَاءَ عَفَا عَنِّي» و اگر مشیتش قرار بگیرد، از من

می‌گذرد. «فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ مِنِّي» با این حال کدام ناتوان، ناتوان‌تر از من است؟ (من لایحضره الفقیه، جلد ۴، صفحه ۴۰۴)

آیه انتهای این سوره که با ابتدای آن از جهت محتوا منطبق است، محقق شدن وعده حتمی و قطعی الهی را نشان می‌دهد: «خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهُقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ- درحالی‌که چشم‌هایشان [از شرم و وحشت] به زیر افتاده، و [پرده‌ای از] ذِلَّت و خواری آن‌ها را پوشانده است.» این همان روزی است که به فرمایش امام باقر (علیه السلام): «يَعْنِي يَوْمَ خُرُوجِ الْقَائِمِ (عجل الله تعالی فرجه الشریف).» (بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۲۰)

یعنی غلبه نور وجود علی(ع) بر عالم به و اسطه وجود فرزندش، حجت آخرین (عج) و سپس قیامت کبری که همواره وعده داده می‌شدند.

تنت در وقت مردن از ندامت	بلرزد چون زمین روز قیامت
دماغ آشفته و جان تیره گردد	حواست همچو انجم خیره گردد
مسامت گردد از خوی همچو دریا	تو در وی غرق گشته بی سر و پا
شود از جان کنش ای مرد مسکین	ز سستی استخوانها پشم رنگین
بهم پیچیده گردد ساق با ساق	همه جفتی شود از جفت خود طاق
چو روح از تن بکلیت جدا شد	زمینت قاع صفصف لاتری شد
بدین منوال باشد حال عالم	که تو در خویش می بینی در اندم
وصلی الله علی محمد وآله	